



فکر می‌کنم هر کسی به عصر جدید آمده است زندگی اش به قبل و بعد از عصر جدید تقسیم شده است. بنا به خیلی از دلایلی که حضور در این برنامه داشت مخصوصاً این که خیلی خوب دیده می‌شوید و نوعی شهرت به بار می‌آورد

گفت‌وگو با سعید فتحی روشن، مجری «بازیمون» و استعداد برتر فصل قبل عصر جدید:

«عصر جدید» زندگی‌ام را به ۲ بخش تقسیم کرد



سعید فتحی روشن یکی از فینالیست‌های نهایی فصل اول برنامه عصر جدید بود که حالا به عنوان مجری برنامه «بازیمون» وارد حوزه تولید برنامه‌های تلویزیونی شده است. البته فتحی روشن پیش از اینکه در عصر جدید حاضر شود به مدت طولانی در عرصه تردستی و شعبده بازی فعال بوده و حتی در تلویزیون هم حاضر شده است. با این حال عصر جدید همان سکوی پرتابی شد که فتحی روشن سال‌ها دنبالش بوده است. به واسطه این برنامه همه آقای شعبده باز را می‌شناسند و او به عنوان مجری تلویزیونی فعالیت می‌کند. این یعنی برنامه عصر جدید طی روند خودش یک چهره جذاب تلویزیونی را تولید کرده است و این فرد در حال حاضر جزو سرمایه‌های تلویزیون در حوزه اجرا محسوب می‌شود. سراغ او رفتیم تا در مورد عصر جدید و تجربه جدیدش در حوزه اجرا صحبت کنیم.

شما سال‌هاست به کار شعبده و منتالیسم مشغولید اما انگار حضور در عصر جدید فصل جدیدی در زندگی خود شما شد؟

فکر می‌کنم هر کسی به عصر جدید آمده است زندگی‌اش به قبل و بعد از عصر جدید تقسیم شده است. بنا به خیلی از دلایلی که حضور در این برنامه داشت مخصوصاً این که خیلی خوب دیده می‌شود و نوعی شهرت به بار می‌آورد. در همین فصل گروهی داشتیم که پارسال رای قرمز گرفت و خودشان گفتند می‌رویم و دوباره برمی‌گردیم و این بار در هر مرحله چهار ضربه‌ی سفید گرفتند. در واقع عصر جدید ویژگی‌هایی دارد که برای برخی انگیزه عجیب و غریبی شده است. من سال گذشته کسی را می‌شناختم که

کارش شعبده بود و می‌خواست از ایران مهاجرت کند و برود اما فقط به خاطر عصر جدید در ایران ماند. شعبده و سیرک به معنای کلاسیک آن در دورانی خیلی در تلویزیون پخش می‌شد اما به تدریج این برنامه‌ها دیگر جذابیتی نداشتند و حالا فکر می‌کنم عصر جدید باعث شد این حرفه و حتی افرادی که خلاقانه در این حوزه کار می‌کنند دوباره دیده شوند.

هم دیده‌شوند و هم این که شعبده بهتر به مردم معرفی شود.

فکر می‌کنید چرا؟ عصر جدید چه ویژگی داشت که باعث این «دیده شدن» شد؟ چون خود شما به عنوان شعبده‌باز و منتالیست قبل از آن در برنامه‌های دیگری هم حضور داشتید؟

بله، من پیش از این در برنامه‌های دیگری هم حضور پیدا کرده‌بودم اما آن برنامه‌ها مجری محور بود یا ویژگی‌های دیگری داشت. مثلاً موضوعشان چیز دیگری بود و من را هم در مراسمی یا آئینی از برنامه‌شان دعوت می‌کردند که در یک صحنه ۵۰ متری کار را اجرا کنیم. بنابراین در چنین لوکیشن و فضایی کار ما خیلی دیده نمی‌شود. مثل ساعتی که قابلیت‌های زیادی دارد اما اگر آن را کنار مجموعه‌ای از ساعت‌های قدیمی در یک ساعت فروشی قدیمی بگذارید دیده نمی‌شود تا این که آن را در کنار چند ساعت لوکس و در فاصله‌ای زیاد با هم قرار دهید.

چرا در میان خود شعبده‌های عصر جدید اجراهای شما بیشتر به چشم آمد و حتی در ذهن‌ها ماندگار

شد؟ شما توانستید از این فرصت بیشتر استفاده کنید یا ویژگی‌های دیگری دخیل بود؟
من سابقه تناثر داشتم و وجه نمایش را وارد کارم کردم. بخشی هم به این دلیل است که سعی کردم تفکیکی بین شعبده و اجرا در برنامه‌ای مثل عصر جدید قائل شوم و به حرف بچه‌های عصر جدید گوش کردم. در واقع اجرا در عصر جدید را کاملاً با اجرا در هر صحنه دیگری متفاوت دانستم.
در واقع شما متوجه تمایزهای این اجرای تلویزیونی در قالب یک برنامه پر بیننده شدید و برای همین به طور مثال با لباس حوله‌ای روی صحنه آمدید یا با لباس زندانی، پلنی برای اجرای خود طراحی کردید.

بله همین‌طور است. ما شعبده‌بازی داریم که به خیلی از ارگان‌های دولتی دعوت می‌شود و همان اجراها را در تلویزیون هم اجرا می‌کرد چون مخاطب زیادی آنها را تشویق کرده است. اینها باید فرقی بین اجرای عصر جدید و دیگر اجراها بگذارند که البته برخی به شدت به توصیه‌ها و نکات ما گوش می‌کنند.

این انگیزه هست در شعبده‌بازان که از این فرصت‌ها استفاده کنند برای ستاره شدن، چون آنها بارها در صحنه‌ها تشویق شده‌اند، اما برای چهره شدن و حتی چهره جهانی شدن تلاشی دارند؟

مثل خیلی از حرفه‌های دیگر این انگیزه در شعبده‌بازان هم وجود دارد اما طرز تفکر در این حرفه خیلی اهمیت دارد یعنی باید بتوانند طرز فکرشان را با توجه به مدیومی که در آن می‌خواهند دیده شوند تغییر دهند. به طور مثال من در کامنت‌ها و نظرهایی که از اجراهای عصر جدید می‌خوانم می‌بینم مردم خیلی روی لباس تأکید می‌کنند و می‌پرسند چرا با همان لباس‌های کلاسیک شعبده که در «دیدنی‌ها» می‌دیدیم کار اجرا می‌شود؟ اینها البته سبک است و خارج از ایران حتی یک فرد مشهور هم می‌تواند همچنان از این المان‌ها و پوشش کلاسیک بهره بگیرد. ما در ایران فقط یک مدل شعبده داریم که آن هم کلاسیک است. پس بهتر است که همان افرادی که کار کلاسیک می‌کنند تغییری در اجراهایشان داشته باشند. دیوید کاپرفیلد از همان ابتدا با پیراهن و شلوار یا کاپشن برنامه‌اش را اجرا می‌کرد و می‌توان با همین فرم هم بهترین شورا اجرا کرد. او یکی از گران‌ترین شوهای دنیا را در شعبده دارد و با یک پیراهن آبی که روی شلوار آبی‌اش می‌آید کارش را اجرا می‌کند با این حال آن اجرا در اینجا قابل مقایسه نیست و اینجا باید تغییری برای جذابیت بخشی به کار داشت.

آنگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم شرکت تعاونی مسکن اندیشه و هنر چاپ قم
تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵
بدینوسیله از کلیه اعضای تعاونی دعوت به عمل می‌آید در جلسه مجمع عمومی مذکور رأس ساعت ۱۸ روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۹ با دستور جلسه ذیل در محل قم، جاده اصفهان، بلوار الغدیر، تالار شهر آفتاب تشکیل می‌گردد. حضور بهم رسانید. ضمناً هر یک از اعضا جهت معرفی نماینده تام‌الاختیار اوکیل خود به منظور حضور در جلسه فوق‌الذکر و اعمال رای می‌بایستی به اتفاق یکدیگر (عضو و نماینده) حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۰ در ساعات اداری به محل دفتر شرکت واقع در قم، جاده اصفهان، بلوار الغدیر، کوچه ۲۷ (نیک اندیش)، پروژه تعاونی مسکن اندیشه و هنر چاپ قم مراجعه تا پس از احراز هویت و تأیید وکالت‌نامه، ورقه ورود به جلسه جهت نماینده عضو صادر شود.
❖ دستور جلسه: ۱- حذف جمله شرط اختصاصی «معرفی‌نامه از اتحاد به جای خانه داران» موضوع بندب ماده ۱۲ اساسنامه
هیأت مدیره شرکت

برگ سبز خودرو سواری پراید، مدل ۱۳۸۳، به رنگ سفیدشیری به شماره انتظامی ایران ۱۳-۴۹۴ب۲۷ شماره موتور 00698139 شماره شاسی S1412283241112 به‌نام صدیقه بیگم صمصام شریعت مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.
برگ سبز موتور سیکلت ایران دوچرخ ارشیا، مدل ۱۳۹۸، به رنگ آبی، به شماره انتظامی ایران ۶۳۳-۶۸۵۳۶ شماره موتور 0149NBD002593، شماره شاسی NBDALAKBBKUD38521 به‌نام غلامرضا احمدی سیاه‌بومی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت خودرو پراید ۱۴۱، مدل ۸۸، رنگ نوک‌معدادی، به شماره انتظامی ۵۵۱ ط ۲۱- ایران ۷۹، شماره موتور 2962091 و شماره شاسی S1482288294057 به‌نام مهدی محمد قلیها مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.